

## The right to choose and political freedom From viewpoint of Holy Qur'an

Seyed Kazem Seyed Bagheri<sup>1</sup>  
Mehdi Hasani Bagheri<sup>2</sup>

1. Associate Professor, Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran; sbaqeri86@yahoo.com

2. Assistant Professor, Islamic Azad University, Bafat Branch, Bafat, Iran;  
mehdi.hassanibakri@gmail.com

**Received:** 20 June 2019; **Accepted:** 26 September 2019

### Abstract

This project was aimed at analyzing Quran viewpoint towards the right of choose in the political freedom. Results indicated that Quran has recognized the right of choose for every individuals aiming at growth and superior selection. Besides, this is said that, this will happen through the practice of consulting, enjoining what is right and forbidding what is wrong, and criticism. This can be observed in the right of choosing, right of being chosen, and right of determining owns destiny. So that, individuals would be able to get free from socio-political barriers and imposed cruel power on their own. However human being has to follow divine orders.

**Keywords:** Political freedom, right of choose, Quran, Determine Destiny.

## حق انتخاب و آزادی سیاسی از منظر قرآن کریم

سیدکاظم سیدباقری<sup>۱</sup>

مهدی حسنی باقری<sup>۲</sup>

۱. دانشیار، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران:  
sbaqeri86@yahoo.com

۲. استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بافت، بافت، ایران: mehdi.hassanibakri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۴

### چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی دیدگاه قرآن کریم پیرامون حق انتخاب در آزادی سیاسی بود. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که قرآن کریم آزادی سیاسی و حق انتخاب را برای همه شهروندان با هدف رشد و انتخاب برتر به رسمیت شناخته و با به کارگیری آموزه‌هایی چون مشورت، امر به معروف و نهی از منکر، نقد و نصیحت، اجرایی می‌شود، ابعاد آن را می‌توان در مواردی چون «حق انتخاب‌گری»، «حق انتخاب شدن» و «حق تعیین سرنوشت»، رصد کرد، تا مردم با انتخاب خود، از موانع بیرونی سیاسی - اجتماعی و تحمیل ظالمانه قدرت حاکم، رهایی یابند. این آزادی در عرصه تکوینی است و انسان البته به عنوان خلیفه خدا باید در چارچوب دستورها و احکام الهی عمل کند و به لحاظ تشریحی راه راست و مسیر الهی را برگزیند.

واژه‌های کلیدی: آزادی سیاسی، حق انتخاب، قرآن کریم، تعیین سرنوشت.

## مقدمه

«آزادی سیاسی» و به تبع آن «حق انتخاب»، جایگاه ویژه‌ای در حقوق فردی و اجتماعی شهروندان هر جامعه دارد. آزادی سیاسی را می‌توان مجموعه امتیازاتی دانست که اهالی کشور برای مشارکت در حیات سیاسی جامعه بدان نیاز دارند. این امتیازات به صورت حقوق مدنی (حق رأی، حق داوطلبی و حق عضویت در احزاب سیاسی) و حقوق سیاسی (آزادی رقابت اندیشه‌ها و آزادی تعیین زمامدار) وجود دارد (میراحمدی، ۱۳۸۱: ص ۸۴). پذیرش این حقوق در عرصه سیاسی به معنای آن است که انسان در حقوق گوناگونی مانند حق انتخاب کردن، حق انتخاب شدن، حق رأی، حق اجتماعات، حق بیان، انتخاب حاکم و نوع حکومت و به طور کلی مشارکت سیاسی و حضور مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی آزاد است و کسی نمی‌تواند و نباید، بدون معیار و موازین قانونی آنها را محدود کند.

با وجود حق، دارنده آن فاعلی آزاد، مختار، دارای تسلط کامل بر سرنوشت خود و البته مسئول در برابر پیامدهای تصمیم‌ها و رفتارهای خود است. با حقوق، چارچوب‌ها، کارکردها، امتیازات، برتری‌ها و وظایف مشخص می‌شود. در حقوق سیاسی، امتیازاتی به رسمیت شناخته می‌شود که با وجود آنها افراد می‌توانند دست به اقدام سیاسی بزنند و برای رسیدن به حقوق سیاسی - اجتماعی، کسی مانع آنها نشود.

با همه تأکیدی که در متون دینی بر آزادی شده، اما طرح این مفهوم و لوازم آن در اندیشه و تفکر اسلامی همواره با چالش‌هایی روبرو بوده است. «داود فیرحی» این مشکلات را در دو دسته تسلط رویکرد اقتدارگرایانه الهیات اسلامی و به حاشیه رانده شدن نصوص دینی ناظر به آزادی، عقلانیت و مسئولیت فردی و تولید پیش‌فرض‌ها، نظریه‌ها و سلیقه‌های ناشی از این رویکرد که موجب عدم توجه لازم به طرح مفهوم آزادی در جستجوهای دین‌شناسانه در باب سیاست می‌شود، می‌داند (فیرحی، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۱۹۷). حق انتخاب نیز به موازات مشکلات مربوط به طرح مفهوم آزادی با چالش‌های جدی روبرو است. ویژگی استبدادی بودن سلسله حکومت‌های شکل گرفته در تاریخ نظام‌های سیاسی در اسلام و دغدغه‌ها و درگیری‌های فکری نظریه‌پردازان

سیاسی کشورهای اسلامی در روزگار جدید و تاثیرپذیری آنان از آموزه‌های تجدد، بر چالش‌برانگیزی این حق افزوده است. بنابراین، ضرورت دارد تا نگاهی مبنایی و اصولی، بر پایه منابع اصیل اندیشه سیاسی اسلام به ویژه قرآن کریم، به این موضوعات داشت.

مباحث مربوط به آزادی سیاسی و حق انتخاب همواره از سوی پژوهشگران حوزه دین و سیاست مورد توجه بوده است. از دیدگاه «محمدعلی ایازی»، آزادی در ابعاد مختلف آن وجهه‌ای از پویندگی و عدالت اسلامی می‌باشد. وجهه‌ای که مستلزم و متضمن احترام به حقوق اساسی و حق حیات معنوی مردم بوده و در جای‌جای تعالیم اسلامی به آن تاکید شده است (ایازی، ۱۳۷۹: ص ۱۷). «منصور میراحمدی» نیز در کتاب «آزادی در فلسفه سیاسی اسلام» به تبیین مفهوم، مبانی و قلمرو آزادی در فلسفه سیاسی اسلام پرداخته است (میراحمدی، ۱۳۸۱).

حق انتخاب یکی از حقوق ذیل حق آزادی سیاسی است، این پژوهش با طرح پرسشی درباره این دو حق، در پی آن است تا نوع ارتباط میان آن دو را با آزادی سیاسی و با استناد به آیات الهی و استفاده از روش‌های تفسیری به بحث بگذارد، این مهم در پاسخ به پرسش‌هایی چون چرایی حق انتخاب، کیستی انتخاب‌گران، هدف و چگونگی انتخاب طرح شده و در فرضیه بر این امر تاکید شده است که قرآن کریم، آزادی سیاسی و حق انتخاب را برای همه شهروندان جامعه اسلامی به هدف رشد شایستگان و انتخاب برتر به رسمیت شناخته که با بهره از آموزه‌هایی مانند مشورت، امر به معروف و نهی از منکر، نقد و نصیحت عملیاتی می‌شود و ابعاد آن را می‌توان در مواردی چون «حق انتخاب‌گری»، «حق انتخاب شدن» و «حق تعیین سرنوشت»، جستجو و ردیابی کرد، تا با انتخاب خود، از موانع بیرونی سیاسی - اجتماعی و تحمیل ظالمانه قدرت حاکم، رهایی یابند. یادآوری این نکته مهم است که این آزادی، عرصه تکوینی را در برمی‌گیرد، به این معنا که او در امور سیاسی، تکوینا آزاد و مختار است، اما در عرصه تشریحی، انسان به عنوان خلیفه خداوند، وظیفه دارد تا در چارچوب دستورها و احکام الهی عمل کند و راه راست و مسیر الهی را برگزیند.

## ۱. بیان مفاهیم

### ۱-۱. حق

افراد جامعه بر اثر روابط و مناسبات خود یک رشته اختیارات و امتیازاتی را به دست می‌آورند که به مجموعه آن حقوق می‌گویند. این اختیارات و امتیازات مشتمل بر اختیارات مدنی، اجتماعی، سیاسی و همه مزایا و سلطه‌هایی است که از قانون، ناشی می‌شود (آقابخشی، ۱۳۸۳: ص ۳۷۲). مفهوم «حق» از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و نظریه‌پردازان بوده است. سقراط و پیروان او به «حقوق طبیعی» انسان اعتقاد داشتند و منشاء آن را «قوانین طبیعی» می‌دانستند. از دیدگاه آن‌ها انسان بر مبنای فطرت خود، دارای حقوقی بوده که فراتر از قوانین و مقررات وضع شده توسط فرمانروایان می‌باشد. سیسرون<sup>۱</sup> نیز به مساله حق پرداخته است، از دیدگاه او سه نوع حق مدنی، مردم و طبیعی وجود دارد (قاضی زاده، ۱۳۸۵: ص ۱۲۸). یکی از معانی حق، سلطه و امتیاز است، در واقع با بکار بردن «حق»، ما در پی اثبات احاطه و برتری فردی بر امری یا شخصی دیگر هستیم، این که گفته می‌شود «فلانی حق دارد» یا «مالک حق تصرف بر ملک خود دارد»، این امر به معنای نوعی برتری و تسلط آن شخص نسبت به دیگران است، وقتی که می‌گوییم آزادی حق است، یعنی انسان امتیاز و سلطه‌ای دارد که دیگران حق سلب آن را ندارند، مثل حق تعیین سرنوشت.

### ۱-۲. مشارکت سیاسی

مشارکت به معنای همکاری، شرکت داشتن یا حضور داشتن است. بر این اساس، مشارکت حضور فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد زندگی است. مشارکت سیاسی یکی از انواع مهم مشارکت در حیات جمعی انسان بوده و می‌توان آن را شرکت در فرایندهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند و یا بر آن تاثیر می‌گذارد، تعریف کرد (آبرکرامبی، هیل و ترنر، ۱۳۶۷: ص ۲۶۸).

---

1. Cicero.

### ۳-۱. حق انتخاب

حق انتخاب در عرصه سیاسی و اجتماع، مربوط به انتخاب متصدیان و مسئولان حکومتی و از مصادیق بارز تضمین حق تعیین سرنوشت است و به این معناست که انسان‌ها از قید سرپرستی و ولایت دیگر انسان‌ها آزاد هستند و هیچ انسانی حق ندارد، بدون رضایت دیگری در حوزه اختیارات او دخل و تصرف کند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲: ص ۱۲۴). این حق دو عرصه متفاوت، انتخاب‌گری و انتخاب‌شدگی را شامل می‌شود.

### ۴-۱. آزادی سیاسی

«هیچ کلمه‌ای به اندازه کلمه آزادی، اذهان را متوجه نساخته و به هیچ کلمه‌ای معانی مختلفی همانند کلمه آزادی داده نشده است» (متسکیو، ۱۳۶۲: ص ۲۹۲). تاکنون برای آزادی بیش از ۲۰۰ تعریف ذکر شده است (برلین، ۱۳۷۹: ص ۱۴). هابز<sup>۱</sup> (۱۶۷۹-۱۵۸۸) در «لویاتان»<sup>۲</sup>، آزادی را دال بر نبود مخالفت می‌داند، لاک<sup>۳</sup> (۱۶۳۲-۱۷۰۴) آن را قدرتی می‌داند که انسان برای انجام یا احتراز از عملی خاص دارا بوده و از نظر کانت<sup>۴</sup> (۱۷۲۴-۱۸۰۴) آزادی عبارت از استقلال و رهایی از هر چیز به جز قانون اخلاقی است (کرنستون، ۱۳۷۰: ص ۵۰). برخی بر این باورند که آزادی یعنی رهایی از بند و زندان، تلاش برای از میان برداشتن موانع، جلوگیری از مداخله و بهره‌کشی اسارت انسان به وسیله دیگران است (برلین، ۱۳۷۹: ص ۷۱).

آزادی سیاسی را می‌توان دربردارنده رهایی از محدودیت‌های درونی در رفتار یا گفتار سیاسی دانست، قیدهایی مانند آداب و سنت‌ها، هماهنگی و سازگاری با جامعه و رفتارهای احساسی. (Kompridis, 2007: P.277-289). در تعریفی دیگر بر معنای «مصون ماندن از اراده مستبدانه» تاکید

- 
1. Thomas Hobbes
  2. Leviathan
  3. John Lock
  4. Immanuel Kant

شده است (آقابخشی، ۱۳۸۳: ص ۷۵). السدیر مک اینتایر<sup>۱</sup> آزادی را استقلال اجتماعی افراد در ارتباط با دیگران تعریف می‌کند (MacIntyre, 2001: P.23). برخی دیگر آن را روابط آزاد از ستم، تهدید و اجبار معنا کرده‌اند (Young, 1990: P.128). «آمارتیا سن»<sup>۲</sup> در کتاب «توسعه به مثابه آزادی»، می‌نویسد: آزادی نبود شرایط محدودکننده برای افراد و انجام فعالیت برای ایجاد شرایط مطلوب است (Sen, 2000).

از نظرگاه قرآن کریم، آزادی سیاسی یعنی افراد، گروه‌ها و تشکل‌ها برای انجام فعالیت‌های مطلوب سیاسی، می‌توانند و مجال می‌یابند تا با گذر از بندهای درونی، از موانع بیرونی سیاسی - اجتماعی و تحمیل قدرت ظالمانه حاکم، رهایی یافته و با برخورداری از حقوق شهروندی، در جهت کمال انسانی حرکت کنند. از آنجا که آزادی سیاسی با قدرت مرتبط است، بحث کلیدی آن، رستن از قدرت تمامیت‌خواه و خودکامه است. با این وصف، آزادی سیاسی در برابر استبداد سیاسی قرار می‌گیرد که همه حقوق بنیادین سیاسی - اجتماعی شهروندان انکار شده و دچار محدودیت‌های گوناگون می‌شود.

## ۲. مبانی نظری

به طور کلی در آزادی سه عنصر و مقوله «آزادی‌خواه»، «نبود مانع» و «هدف» وجود دارد. آزادی سیاسی زمانی شکل می‌گیرد که اشخاص و تشکل‌های سیاسی در انجام دادن رفتارهای سیاسی مطلوب و برخورداری از حقوق اساسی از محدودیت‌ها و موانعی که دولت‌ها ممکن است در برابر آنها ایجاد کنند، رها و آزاد باشند (میراحمدی، ۱۳۸۱: ص ۱۰۸) و آزادی خود را برای رسیدن به هدفی مشخص به کار گیرند. «گلن تیندر»<sup>۳</sup> تاکید می‌کند که آزادی وضعی است که در آن، انسان، منقاد خواسته‌های خودکامانه و بی‌پایان هیچ مرجعی اعم از دولت، کارفرما، خویشان یا

- 
1. Alasdair MacIntyre
  2. Amartya Sen
  3. Glenn Tinder

کسان دیگر نباشد (تیندر، ۱۳۷۴: ص ۱۰۸-۱۰۹). با توجه به تقابل آزادی سیاسی با استبداد، برخی آن را در مقابل استبداد تعریف می‌کنند، به این معنا که مردم اختیار داشته باشند کسی را که خودشان به او اختیاراتی داده‌اند، به محض این که خواست از آن اختیار، سوءاستفاده کند و جابر و ظالم شود، بتوانند او را خلع کنند (منتسکیو، ۱۳۶۲: ص ۲۹۴).

شاید بتوان گفت شاه‌کلید مباحث مربوط به آزادی و آزادی سیاسی به رسمیت شناختن حقوق سیاسی- اجتماعی شهروندان برای دخالت، مشارکت و نظارت و حضور در امور حکومتی است، به گونه‌ای که کسی نتواند مانع آنان در فعالیت‌های سیاسی شود. برای شفاف شدن مسأله حق انتخاب و پیوند آن با آزادی سیاسی، باید به چند سؤال اساسی به اجمال، پاسخ داد:

اول. چرا براساس منطق و آیات قرآن کریم، حق انتخاب لازم است؟

دوم. در جامعه اسلامی، حق انتخاب برای چه کسی به رسمیت شناخته می‌شود؟

سوم. شناسایی حق انتخاب در قرآن کریم، چه هدفی دارد؟

چهارم. براساس آیات قرآن کریم، حق انتخاب چگونه و در چه فرایندی اجرایی

می‌شود؟

پرسش اول: حق انتخاب، چرا؟	
پاسخ	بایستگی انتخاب نظام سیاسی عادلانه و دوری از طاغوت/ ضرورت ایجاد فضای رشد برای شایستگان با حق انتخاب‌شدگی/ موجودیت انسان به انتخاب‌گری.
مستند	«وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَبُوا الطَّاعُونَ» (نحل، ۳۶)، «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف، ۲۹)
پیامد	پذیرش مسئولیت در قبال امور سیاسی- اجتماعی جامعه
پرسش دوم. حق انتخاب برای چه کسی؟	
پاسخ	همه شهروندان/ هر کس یک رأی/ وظیفه همگانی در بهره از این حق و سامان‌بخشی به امور جامعه
مستند	«قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا» (نساء، ۹۶) // «وَ قَفُوهُمْ إِتْمَهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات، ۲۴)
پیامد	احساس مسئولیت همگانی/ تعاون و همراهی/ پشتیبانی از دولت دینی



پرسش سوم. حق انتخاب به چه هدفی؟	
پاسخ	انتخاب برتر و زمینه‌سازی برای تعالی جامعه اسلامی
مستند	«فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (نحل، ۴۴)
پیامد	پویایی جامعه اسلامی، آزاداندیشی
پرسش چهارم. حق انتخاب چگونه و در چه فرایندی؟	
پاسخ	با بهره‌گیری از شایستگان، مشورت، امر به معروف و نهی از منکر، نقد، نصیحت
مستند	«شاورهم فی الأمر» (آل عمران، ۱۵۹)، «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران، ۱۱۰)، «وَإِنَّا لَكُم نَاصِحٌ أَمِينٌ» (اعراف، ۶۸)
پیامد	جامعه آزاد و شایسته‌سالار

با نظری کوتاهی به آیات و مستندات حق انتخاب، می‌توان چرایی این حق را دریافت. بایستگی انتخاب نظام سیاسی عادلانه، ضرورت ایجاد فضای رشد برای شایستگان با به رسمیت شناختن حق انتخاب‌شدگی و حق تعیین سرنوشت و اینکه موجودیت انسان به انتخاب‌گری اوست، بر این امر دلالت دارند، همان گونه که انبوه امر و نهی‌هایی که خداوند در قرآن خطاب به مسلمانان دارد، حکایت از آن دارد که آنان می‌توانند و باید بر پایه حق انتخاب، راه عدالت و دوری از طاغوت را برگزینند. پیامد این امر، پذیرش مسئولیت در قبال امور سیاسی - اجتماعی جامعه است. در کیستی انتخاب‌گران نیز همه شهروندان، حق برخورداری از این مهم را دارند و حتی وظیفه‌ای همگانی است تا مردم در جامعه اسلامی از حق گزینش‌گری خود بهره‌گیرند تا به سامان عادلانه امور، یاری دهند. پیامد این امر، احساس مسئولیت همگانی است. در هدف حق انتخاب، اصل بحث، ناشی از ضرورت انتخاب برتر و زمینه‌سازی برای تعالی جامعه اسلامی بوده و نتیجه آن پویایی جامعه و باز شدن فضا برای آزاداندیشی است. در چگونگی عملیاتی کردن حق انتخاب نیز می‌توان با بهره‌گیری از شایستگان، مشورت، امر به معروف و نهی از منکر، نقد و نصیحت، این حق را اجرایی کرد و جامعه‌ای آزاد و شایسته‌سالار را به وجود آورد.

در نظرگاه قرآن کریم و اندیشه سیاسی اسلام، زوایای گوناگون آزادی در نظر گرفته شده است و به موازات طرح آزادی سیاسی حق انتخاب مطرح می‌شود. حق انتخاب، امری کاملاً پذیرفته شده

است و کمتر کسی است که آن را انکار کند. آدمی تنها به این دلیل آدمی است که انتخاب می‌کند. انسان آزاد است که آنچه را می‌خواهد، برگزیند. ملاصدرا، در تفسیر قرآن خود، در فصلی با عنوان «سعادت، شقاوت و انسان مختار» این نکته را بیان می‌کند که اختیار در نهاد او سرشته گردیده است، آنگونه که سردی برای آب (صدرالمتالهین، ۱۴۱۹ق: ج ۷، ص ۱۶۳-۱۶۴). این خواست یا اراده همان چیزی است که آدمیان را از اشیای دیگر در طبیعت ممتاز می‌کند. اراده است که آدمیان را قادر می‌سازد، خیر یا شر، حق یا ناحق را انتخاب کنند. «هیچ شایستگی یا امتیازی به انتخاب آنچه بحق و درست است تعلق نمی‌گیرد، مگر امکان انتخاب ناحق و نادرست نیز وجود داشته باشد. مخلوقات که به حکم هرگونه علت موجه تا ابد محکوم به انتخاب چیزی باشند که خوب و راست و زیبا است، نمی‌توانند مدعی هیچ گونه امتیازی به دلیل این کار شوند، زیرا نتیجه هر قدر هم شریف و والا باشد، عمل خود به خود صورت گرفته است. بنابراین، کل مفهوم شایستگی اخلاقی، کل مفهوم استحقاق اخلاقی، کل مفهوم نتیجه شده از این امر واقع که ما آن را ستایش یا نکوهش می‌کنیم و بر این عقیده‌ایم که باید آدمیان را چون این گونه یا آن گونه عمل کرده‌اند تحسین یا تقبیح کرد، همه بر این پیش‌فرض استوار می‌باشد که انسان قادر است، آزادانه انتخاب کند و لذا نفرت از پدرسالاری و پدرمآبی در عرصه سیاست از این باب است (ر.ک: فولادوند، ۱۳۸۳: ص ۵۵). این حق را می‌توان در دو ساحت «انتخاب کردن» و «انتخاب شدن» پیگیری کرد.

«جان پلامناز» درباره حق انتخاب آزادی و تاثیر آن در واگذاری اعمال قدرت به دیگران می‌نویسد: «در مناطقی که رویه‌های اساسی انتخابات برای تعیین سمتی (حاکمیت و اقتدار سیاسی) وجود دارد، مشروط به این که انتخابات، واقعا آزاد باشد، هر کس در انتخابات شرکت می‌کند، به اقتدار انتخاب شونده رضایت می‌دهد. شهروندی که در انتخابات رأی می‌دهد، به اهمیت عملی که اقدام می‌کند، واقف است، مشروط به اینکه انتخابات «آزاد» باشد (سلامی، ۱۳۸۱: ص ۱۵۶).

انسان به همان مقدار که می‌تواند انتخاب‌گر باشد، باید ممکن باشد تا زمینه انتخاب شدن او نیز

فراهم آید و در نهایت بتواند سرنوشت خود را تعیین کند. در ادامه به برخی از مسائل این بحث و ارتباط آن با آزادی سیاسی می‌پردازیم.

### ۳. حق انتخاب‌گری

در دنیای امروز یکی از حقوقی که بسیار بر آن تاکید شده، حق انتخاب و آزادی انتخاب کردن از سوی شهروندان است. در این آزادی، مردم صرفاً افرادی تابع و پیرو نیستند، بلکه می‌توانند فعالانه در امور سیاسی جامعه نقش بازی کنند و سرنوشت خود را به دستان خویش رقم زنند. برخی این نوع از آزادی را در تعریف آزادی سیاسی، ذکر کرده‌اند، به این صورت که آزادی سیاسی، یعنی اینکه فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی شرکت کرده و به تصدی مشاغل عمومی، سیاسی و اجتماعی کشور نایل آمده و یا در مجامع آزادانه، عقاید و افکار خود را به نحو مقتضی ابراز کند (طباطبایی موتمنی، ۱۳۷۰: ص ۹۶). همچنین برخی دیگر نیز بر این باورند که آزادی سیاسی، قسمتی از حقوق افراد است که به موجب آن، می‌تواند حق حاکمیت داشته باشند، خواه به طور مستقیم و خواه از طریق انتخاب نمایندگان (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ص ۳۱).

امروزه بر قطعی بودن اموری چون دارا بودن حق رأی و تصدی منصب سیاسی، بهره‌مندی از برابری در مقابل قانون و استحقاق بهره‌برداری از مزایا و خدمات مختلف حکومتی تاکید می‌شود (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۴: ص ۳۶). انتخاب‌گری ویژگی خاص انسان است، کسی نباید این حق را از انسان بگیرد. جوامع مردم‌سالار، دیندار و غیردیندار، امروزه همه ادعا دارند که ساختار جامعه خود را به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که شهروندان‌شان می‌توانند، حق انتخاب خود را عملیاتی کنند و ویژگی بنیادین جوامع استبدادی آن است که این حق از شهروندان گرفته شده است و افراد مجبورند که در جامعه‌ای بسته و خفقان‌آلود، حقوق خود را نادیده انگارند و تنها در خدمت اراده و اختیار فرد یا افراد خودکامه باشند. در راستای اندیشه‌های پس از رنسانس و گذر از استبداد، منتسکیو بر این باور بود که آزادی یعنی شهروندان اختیار داشته باشند کسی را که خودشان به او اختیاراتی داده‌اند، به محض این که خواست از آن اختیار سوء استفاده کند و جابر و ظالم شود، او

را خلع کنند (منتسکیو، ۱۳۷۰: ص ۲۹۲).

انسان، هم دارای فطرت فردی است و هم فطرت اجتماعی. طبعاً مباحث اندیشه سیاسی و بحث آزادی سیاسی، با فطرت اجتماعی انسان سروکار دارد، هرچند بُعد اجتماعی انسان از ساحت فردی آن جدا نیست، انسان با آزادی سیاسی خود، حق انتخاب مسیر جامعه خویش را می‌یابد و می‌تواند سرنوشت جامعه‌اش را خود بنگارد. «در سرشت انسان، آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی، آرمان‌خواهی و جویندگی برای جامعه مطلوب وجود دارد و تجلی این مفاهیم در فطرت اجتماعی انسان است. فطرتی که به انسان، حریت می‌دهد، او را به عصیان در برابر تحمیلات اجتماعی توانا می‌سازد تا جایی که فرد می‌تواند جامعه خود را تغییر دهد و به رغم جریان جامعه، در جهت خلاف آن حرکت کرده و مسیر جامعه را شدیدتر یا کندتر کند. حتی می‌تواند مسیر جامعه و تاریخ را متوقف یا تغییر دهد» (مطهری، ۱۳۷۰: ص ۳۲۰).

با همه تفاوت‌های بنیادین اندیشه سیاسی اسلامی با اندیشه غرب، در تاکید بر حق انتخاب، مشترک هستند. براساس آیات قرآن کریم انسان می‌تواند بنیادی‌ترین نرم‌افزار فکری خود را که دین باشد، برگزیند و اجبار در اندیشه، ایمان و امور قلبی و درونی راه ندارد (طباطبایی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۳۴۳). خداوند، یکی از مهم‌ترین حقوق انسان یعنی انتخاب دین را به او واگذار کرده است، البته از آنجا که راه و چاه از هم تمییز داده شده، طبیعی است که انسان باید راه و مسیر الهی را برگزیند، «این آزادی به معنای آن نیست که نتایج اعتقادی هر دو طریق (دینداری و بی‌دینی) یکسان باشد. درست است که خداوند انسان را تکویناً آزاد آفریده است، اما هرگز نفرموده که نتیجه هر دو طریق (ایمان و کفر) واحد است و او را به یک مقصد رهنمون می‌سازند. انسان، تکویناً صاحب اراده خلق شده و می‌تواند یکی از دو مسیر هدایت یا ضلالت را برگزیند:

«أَنَا هَدَيْتَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان، ۲).

اکراهی در کار نیست و هیچ کس حق اکراه دیگری را ندارد، گزینش دین یا بی‌دینی امری است قلبی و باطنی که اکراه در آن راه ندارد، نظیر آزادی بشر در انتخاب غسل و سم که هیچ جبری در میان نیست، لیکن هر یک اثر خاص خود را دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ج ۱۷، ص ۴۷۵).

خداوند در برابر لجاجت کافران می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ\* وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ\* ... لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ»  
(کافرون، ۱-۵).

وقتی انسان در باورها و اعتقادات خویش آزاد است که یکی از نخستین آزادی‌های او به شمار می‌رود، باوری که همه نرم‌افزار ذهن و ضمیر انسان را تسخیر می‌کند، به طریق اولی در عرصه زندگی سیاسی- اجتماعی این آزادی را دارد و کسی نمی‌تواند آن قدرت انتخاب را از انسان برباید. حال اگر این توان‌گزینه‌گری در انسان وجود دارد، او در آزادی بیان و دعوت و اندیشه نیز آزاد است.

با توجه به منطبق قرآن کریم، می‌دانیم که محصور و محدود کردن شهروندان، منکر و بر خلاف حقوقی است که خداوند برای انسان‌ها قرار داده است، این امر از مظاهر اغلال و زنجیرهایی به شمار می‌رود که انبیای الهی برای باز کردن آنها از پای مردم، مبعوث شده‌اند. این منکر همواره از سوی طاغوت‌ها انجام می‌شود، آن گونه که پیغمبران الهی را محبوس و آزادی آنان را سلب می‌کردند، فرعون، حضرت موسی(ع) را تهدید به زندان می‌کند:

«قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ» (شعرا، ۲۹): «او گفت: اگر خدایی غیر از من اختیار کنی، قطعاً تو را از زندانیان قرار می‌دهم».

ملکه مصر همانند همه مستبدین می‌گوید حضرت یوسف(ع) یا باید خواسته ناحق او را بپذیرد، یا آنکه به زندان خواهد افتاد و خوار خواهد شد، قدرت‌هایی که حتی پس از آشکاری حقیقت مساله نیز حق انتخاب انسان‌ها را زیر پا می‌گذارند:

«ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوْا الْآيَاتِ لَيْسَجُنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ» (یوسف، ۳۵): «و بعد از آن که نشانه‌های (پاکی یوسف) را دیدند، تصمیم گرفتند او را تا مدتی زندانی کنند!».

پس یکی از کارهایی که طاغوت‌ها انجام می‌دهند، عدم رعایت حق انتخاب و سلب آزادی مردم است. در حالی که انسان، در رفتار سیاسی خود آزاد است و کسی نباید آن را محدود سازد و مجبور به عملی کند. انسان، در انتخاب‌گری آزاد است به ویژه در عرصه اجتماعی- سیاسی. در

سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده است که ایشان، روحیه مشاوره و رایزنی را ترویج می‌کرد که از سازوکارهای عمده در جلوگیری از استبداد و رفتار ناعادلانه است. در تفسیر ابوالفتوح رازی آمده است که پیامبر اسلام (ص) تاکید داشت هنگامی که زمامداران شما برترین شما و نیکان باشد و کارهایتان به رایزنی و مشورت انجام گیرد، پس در این هنگام، روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است (شایسته زندگی هستید)، ولی اگر زمامدارانتان بدان، توانگران و افراد آزمند باشند و کارهایتان به مشورت نباشد، پس در این صورت، زیر زمین از روی آن برای شما بهتر است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۶۷۴؛ رک: ترمذی، ۱۹۸۸م: ج ۴، ص ۴۵۹؛ ابن شعبه، ۱۴۰۴ق: ج ۲۶، ص ۲۱۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۶، ص ۳۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۲۵، ص ۴۶ - ۴۷).

### ۱-۳. حق تعیین سرنوشت

رویه‌ای دیگر از حق انتخاب، حق تعیین سرنوشت از سوی مردم یک قلمرو است. به بیان شهید صدر، آنگاه انسان، حقیقتاً آزاد می‌شود که بتواند راه و روش خویش را مهار کند و برای حفظ انسانیت خویش با رأی و نظر در تعیین سرنوشت و ترسیم آموزه‌ها و رویکردهای خویش، توانا باشد (صدر، ۱۴۱۲ق: ص ۹۶)، امری که در قرآن کریم به آن تصریح شده است:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱)، «به راستی، خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان هست، تغییر دهند».

در مجمع البیان آمده است که تغییر نعمت و حال خوب برای آن است که آنان از امر پروردگارشان سرپیچی می‌کنند و برخی به دیگران ستم می‌ورزند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ص ۴۳۲). روایتی را ابوخلد کابلی از امام سجاده (ع) نقل می‌کند که فرمود: گناهایی که نعمت‌ها را تغییر می‌دهد، عبارتند از ستم بر مردم، ترک و از بین رفتن عادت به کار خیر، کارهای نیک را ریاکارانه انجام دادن، کفران نعمت و ترک شکر؛ سپس امام (ع) آیه بالا را خواند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۲۷۰). یکی از شیعیان در نامه‌ای از امام صادق (ع) درباره این آیه و چگونگی تغییر نعمت توسط یک قوم پرسید و امام (ع) در پاسخ مکتوب خویش به این نکته اشاره فرمود که خداوند بدی به قومی نمی‌رساند، مگر آنکه خودشان خطا کنند و کاری انجام دهند که از آن نهی شده‌اند

(عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۰۶). براساس این آیه، انسان‌ها می‌توانند موانع درونی، بیرونی، فردی و اجتماعی خود را شناسایی کنند و با رفع آنها زمینه دگرگونی‌ها در زندگی و سرنوشت خود را فراهم سازند. طبعاً این انسان، دارای اراده و آزادی است که می‌تواند چنین کند. خداوند سرنوشت جوامع را بیرون از دایره اختیار آنان دگرگون نمی‌کند، بلکه افراد آن جوامع باید نظام‌های اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و غیره را دگرگون سازند.

ویژگی حکومت‌های خودکامه، یکه‌تازی و خودبسندگی است، به گونه‌ای که هیچ حقی برای دیگران به رسمیت شناخته نمی‌شود و فرد می‌پندارد که همه فضایل و افکار را به تنهایی دارد، پس در نظام استبدادی «شخص در کاری که شایسته مشورت است، بر رأی خویش اکتفاء می‌نماید، استبداد، صفت حکمرانی است مطلق‌العنان، که در امور رعیت چنان که خود خواهد تصرف نماید، بدون ترس و بیم از حساب و عقابی محقق» (کواکبی، ۱۳۶۲: ص ۴۳). در این نظام‌ها، حق انتخاب، انتقاد، اعتراض و به طور کلی مشارکت سیاسی که از مصادیق آزادی محسوب می‌شوند، وجود ندارد، اما در نظام شورایی، حق مشارکت آزاد شهروندان و اظهار نظر آنان پذیرفته می‌شود. با فراگیری این حق، فرهنگ نقادی از سوی شهروندان و نقدپذیری از سوی حاکمان در نظام‌های سیاسی رواج می‌یابد و بستری مناسب برای حضور بی‌واهمه مردم در امور جاری، ساخت سرنوشت به دستان شهروندان و رسیدن به آزادی و عدالت سیاسی مهیاء می‌شود.

حق تعیین سرنوشت و انتخاب آنگاه عملی می‌شود که تفکر آزادانه و بستر رشد سیاسی در جامعه فراهم شود، به بیان دیگر، این حق آنگاه معنای واقعی می‌یابد که عقلانیت و تفکر در جامعه رشد کرده باشد. باور به این حق، یعنی ایفای نقش برای ساختن پایه‌های زندگی سیاسی و حضور در عرصه‌های مختلف جامعه، یعنی توان و ظرفیت برای شورش بر تحمیل زور، اسارت‌ها و استعمارگری‌ها و رسیدن به این باور بزرگ که سرنوشت ملت‌ها در دست خودشان است.

البته همین جا این نکته شایسته یادآوری است که حق انتخاب انسان در مکتب قرآن، آن گونه است که انسان با رهایی از مظاهر بندگی و طاغوت‌های درونی و بیرونی، سلطه و استبداد حاکمان، او مالک سرنوشت خویش است، کسی نمی‌تواند او را از طی طریق باز دارد، او در عرصه تکوین،

آزاد است، اما بر انسان به عنوان خلیفه خداوند و دارای نفخه الهی واجب است که در چارچوب دستورها و احکام الهی راه پوید. پس او تشریعا باید راه راست و صالحین و مسیر الهی معرفی شده توسط پیام‌آوران الهی را انتخاب کند و از همین بزنگاه که دیدگاه انسان مسلمان و انسان مدرن از هم جدا می‌شود، انسان مدرن، حق خود می‌داند که هر مسیری را انتخاب کند. انسان در دنیای جدید، موجودی محق است به معنای گسترده کلمه. پس او حق انتخاب دارد، حتی اگر مسیر انتخابی به چاه انجامد، حتی اگر آزادی خویش را در مسیر بندگی قدرت و ثروت فراموش کند، اما پیام انبیای الهی به انسان‌ها آن است که تنها در مسیر شریعت گام بردارند و با حق انتخاب خود، در برابر سردمداران زر و زور و مستکبران بایستند.

#### ۴. حق انتخاب شدن

یکی دیگر از ساحت‌های حق انتخاب، آزادی در انتخاب شدن است، به معنای آن که افراد دارای آزادی و اختیاری باشند تا بتوانند در معرض گزینش دیگران قرار گیرند که بدون حق انتخاب شدن، حق انتخاب کردن نیز بی‌معنا خواهد شد. اگر بر شهروندان لازم است تا در برابر امور جامعه، بی‌خیال نباشند و برای تدبیر امور جامعه، انتخاب‌گری کنند، لازمه این امر، به رسمیت شناختن حق انتخاب شدن است. با این ظرفیت، امکان چرخش نخبگان در جامعه فراهم شده، از انباشت و تراکم قدرت جلوگیری می‌شود و به تبع آن، جلوی فساد و ریشه دواندن قدرت گرفته می‌شود. با این حق، انسان صرفا موجودی نیست که برای بالا رفتن دیگران از دیوار قدرت، دست خویش را قلاب می‌کند، بلکه فرصت می‌یابد تا خود نیز در فرایند چرخش نخبگان، به چرخه قدرت وارد شود و در این عرصه تعاملی، صرفا فرمان‌بر نباشد، بلکه این موقعیت را داشته باشد تا فرمانده نیز باشد. با وجود آزادی سیاسی، این حق به رسمیت شناخته می‌شود، و در فراگردی مشخص، شهروندان به کسی که قدرت و اقتداری در اختیار ندارد، این حق را می‌دهند که او نیز دارای قدرت و توان فرمانداری شود. با این رویکرد، حق انتخاب شدن، در کنار حق انتخاب کردن مطرح می‌شود. اگر آزادی سیاسی در نگرش کلان قرآن، امری مطلوب و پذیرفته شده است و شهروندان می‌توانند انتخاب کنند، پس طبعا حق انتخاب شدن نیز که یکی از وجوه و اقسام آزادی



است را به رسمیت می‌شناسد، اگر انتخاب‌گری وجود داشت به دنبال آن، انتخاب شونده‌ای نیز خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

یکی از دغدغه‌های همیشگی جوامع انسانی آزادی‌های سیاسی و اجتماعی بوده است. آزادی سیاسی را می‌توان مجموعه امتیازاتی دانست که شهروندان کشور برای مشارکت در حیات سیاسی جامعه به آن نیاز دارند. این آزادی‌ها را می‌توان به حقوق مدنی (حق رأی، حق داوطلبی، و حق عضویت در احزاب سیاسی) و حقوق سیاسی در قالب آزادی رقابت و اندیشه‌ها و آزادی تعیین زمامدار تقسیم کرد. از تبعات مهم پذیرش این حقوق به رسمیت شناختن حق انتخاب برای انسان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است.

پس از طرح مقوله تجدد در سرزمین‌های اسلامی، مباحث مربوط به آزادی سیاسی و لوازم آن از سوی پژوهشگران حوزه دین و سیاست مورد توجه قرار گرفت. سیر کلی کار این پژوهشگران استنتاج و تبیین اصول آزادی سیاسی با استفاده از منابع اسلامی، به عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه‌های اندیشه و فلسفه سیاسی اسلام بوده است. مهم‌ترین مفاهیم مطرح در مباحث آزادی سیاسی از منظر اسلام و منابع اصلی آن چون قرآن، مواردی چون حق تعیین سرنوشت، حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن است.

آزادی در قرآن کریم از منظرهای گوناگون مورد بحث قرار گرفته است. از دیدگاه قرآن آزادی سیاسی یعنی این‌که افراد، گروه‌ها و تشکله‌ها برای انجام فعالیت باید ابتدا بندهای درونی و نفسانی را گسسته و سپس موانع بیرونی را که ریشه در وضعیت اجتماعی و ساختار قدرت دارد، پشت سر بگذارند.

از لوازم اصلی آزادی سیاسی «حق انتخاب» به عنوان عامل متمایزکننده انسان از سایر موجودات است. حق انتخاب در دو ساحت حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن قابل طرح است. در قرآن حق انتخاب از بنیانی‌ترین حقوقی است که انسان دارد و او در مهم‌ترین حق انسانی خود، یعنی انتخاب دین آزاد است. در آیات متعددی از قرآن کریم به عدم اجبار انسان در انتخاب

دین اشاره شده است. بر این اساس می‌توان گفت زمانی که انسان در انتخاب دین آزاد باشد، به طریق اولی در عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی نیز آزاد است و کسی نمی‌تواند حق انتخاب را از او سلب کند.

به موازات حق انتخاب، حق تعیین سرنوشت نیز در قرآن مورد توجه قرار گرفته است. انسان از دیدگاه قرآن دارای اراده و آزادی است و می‌تواند سرنوشت خود و جامعه خود را تعیین کند. خداوند سرنوشت جوامع را خارج از دایره اختیار آنها تغییر نمی‌دهد و انسان‌ها می‌توانند با تغییر صحیح نظام‌های اخلاقی، سیاسی و اجتماعی سرنوشت خود را تغییر دهند. به این ترتیب قایل شدن حق انتخاب و تعیین سرنوشت برای انسان موجب شکل‌گیری تفکر آزادانه و رشد سیاسی او می‌شود و زمینه مقابله با هرگونه استبداد سیاسی را فراهم می‌آورد. البته باید توجه داشت آزادی‌ها و حق انتخابی که قرآن برای انسان قایل است در عرصه تکوین بوده و انسان به عنوان خلیفه خدا باید در چارچوب دستورها و احکام الهی عمل کند و تشریعا راه راست و مسیر الهی را انتخاب کند.

## منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۲.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. مصحح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ج ۲۶.
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. تحقیق محمدجعفر یاحقی، محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ج ۱.
۴. ایازی، سید محمد علی (۱۳۷۹). آزادی در قرآن. تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۵. آبرکرامبی، نیکلاس؛ هیل، استفن؛ ترنر، برایان (۱۳۶۷). فرهنگ جامعه‌شناسی. ترجمه حسن پویان. تهران: چاپخش.
۶. آقابخشی، علی (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
۷. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. تحقیق علی عبدالباری عطیه. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۲۵.
۸. برلین، آیزیا (۱۳۷۹). چهار مقاله درباره آزادی. ترجمه محمد علی موحد. تهران: خوارزمی.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۸۸م). الجامع الکبیر. بیروت: دارالغرب الاسلام، ج ۴.
۱۰. تیندر، گلن (۱۳۷۴). تفکر سیاسی. ترجمه محمود صدری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۳). ترمینولوژی حقوق. تهران: بنیاد راستاد.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). تفسیر موضوعی قرآن: جامعه در قرآن. قم: اسراء، ج ۱۷.
۱۳. سلامی، محمد (۱۳۸۱). نظریه‌های اختیارگرایانه در تبیین و توجیه الزام سیاسی. الهیات و حقوق، شماره ۳: ص ۹۲-۴۷.
۱۴. صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۲ق). الحریه فی القرآن. بیروت: دار الزهراء، چاپ چهارم.
۱۵. صدرالمتالهین (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن الکریم. حقه و علّق علیه محمد جعفر شمس‌الدین. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ج ۷.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۱). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۱.

۱۷. طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۷۰). *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۸. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ج ۶.
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*. تهران: چاپخانه علمیه، ج ۲.
۲۰. فولادوند، عزت‌الله (۱۳۸۳). *کانت، روشنگری و جامعه مدنی*. تهران: طرح نو.
۲۱. فیرحی، داود (۱۳۹۳). *دین و دولت در عصر مدرن*. تهران: رخداد نو، ج ۱، چاپ دوم.
۲۲. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۲). *حق تعیین سرنوشت و مساله نظارت بر انتخابات: نظارت تضمینی در مقابل نظارت تحدیدی. مدرس علوم انسانی، شماره ۳۱: ص ۱۴۰-۱۲۳*.
۲۳. قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۸۵). *حقوق و آزادی‌های سیاسی در قرآن و سنت. پژوهش‌های اخلاقی، سال دوم، شماره سوم: ص ۱۴۹-۱۲۷*.
۲۴. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو، ج ۱۶.
۲۵. کاستلز، استفان؛ دیویدسون، الیستر (۱۳۸۴). *مهاجرت و شهروندی*. ترجمه فرامرز تقی‌لو. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۶. کرنستون، موریس (۱۳۷۰). *تحلیلی نوین از آزادی*. ترجمه جلال‌الدین اعلم. تهران: امیرکبیر.
۲۷. کواکبی، عبدالرحمن (۱۳۶۲). *طبایع الاستبداد*. ترجمه عبدالحسین قاجار؛ به کوشش و تصحیح محمدجواد صاحبی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). *جامعه و تاریخ*. قم: صدرا، چاپ سیزدهم.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). *فطرت*. تهران: صدرا.
۳۰. منتسکیو، شارل لوئی (۱۳۶۲). *روح‌القوانین*. ترجمه علی‌اکبر مهتدی. تهران: امیرکبیر، چاپ هشتم.
۳۱. میراحمدی، منصور (۱۳۸۱). *آزادی در فلسفه سیاسی اسلام*. قم: بوستان کتاب.
32. Kompridis, Nikolas (2007). *Struggling Over the Meaning of Recognition: A Matter of Identity, Justice or Freedom?*. *European Journal of Political Theory*, Vol.6, No.3:P 277-289. DOI: <https://doi.org/10.1177/1474885107077311>.
33. MacIntyre, Alasdair (2001). *Dependent Rational Animals: Why Humans Need the Virtues*. United States, Chicago: Open Court.
34. Sen, Amartya Kumar (2000). *Development as Freedom*. Anchor Books.
35. Young, Iris Marion (1990). *Justice and the Politics of Difference*. Princeton: Princeton University press.